

مؤلفه های انقلابی بودن در قرآن و حدیث

چکیده

شقایق جوادی^۱

انقلابی بودن به معنای پای بندی به اصول و ارکان انقلاب و ملزم بودن به اهداف آن بوده که فرد را صادقانه هم پای انقلاب و اهداف آن نگه داشته است. روش این تحقیق در جمع آوری اطلاعات از منابع کتابخانه ای به صورت مجازی و سایت های معتبر علمی به توصیف و تحلیل داده ها با موضوع مؤلفه های انقلابی بودن در قرآن و حدیث پرداخته است که شامل چند محور می شود. در ابتدا واژه انقلابی بودن را مفهوم شناسی کرده و جایگاه انقلاب و انقلابی گری را در متون اسلامی بیان کرده است محور سوم مؤلفه های انقلابی بودن را بیان کرده از جمله پایبندی به استقلال همه جانبه، تقوای الهی، پایبندی به مبانی ارزش های اساسی انقلاب بوده است با توجه به تایید هر مطلب توسط متن شریف بیانیه گام دوم انقلاب یا دیگر بیانات رهبر عزیز که آورده شده است که هر کس در پی اسلام و معنویت و اهداف الهی بوده باشد در راستای انقلاب هم موفق تر عمل کرده است.

واژگان کلیدی: انقلاب، اسلام، بیانیه گام دوم، معنویت، استقلال.

انقلابی بودن هم پای اهداف و آرمان انقلاب و نجات و رهایی از نظام طاغوت و استعمار است که در پی هدفی که به واسطه رهایی از ظلم و یوغ بیگانگان انقلاب صورت گرفته است. ملاک و معیارهایی را برای اثبات حقانیت به آن وجود دارد که اهمیت به آن و پایبندی در گفتار و عمل می تواند زمینه ساز دولت حضرت مهدی موعود (عج) باشد.

ضرورت پرداختن به مسئله انقلاب و معیارهای انقلابی بودن افراد در آن جامعه به این نکته است که باید انقلاب و مؤلفه هایش معرفی شوند تا جایگاه حقیقی آن بین جوامع روشن شود و مردم دارای بصیرت گردند و از تفکر و شبهات غیر، بیگانگان دوری جویند.

می توان گفت پیشینه انقلابی بودن به زمانی بر می گردد که هر انقلابی در طول تاریخ بشر رخ داده که پیروان آن باید اصولی را برای ادامه و الزام به آن قرار دهند. اما در ایرا اسلامی از زمان امام خمینی (ره) که انقلاب را برای مردم به ارمغان آوردند باز می گردد که تا اکنون وجود دارد. امام خامنه ای رهبر جامعه اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب نکاتی را پیرامون انقلاب و اهداف و آرمان هایش ایراد فرمودند که مصداق علنی مؤلفه های انقلابی بودن را واضح کردند.

۱- مفهوم شناسی انقلابی بودن

انقلابی بودن در لغت: من قلبت الشیء فانقلب ای انکبّ و تحول.^۱ یأتی بمعنی الرجوع.^۲ والانصراف.^۳

انقلابی بودن در اصطلاح: الاصل در این ماده متحول شدن به صورت مطلق در امور مادی یا معنوی.^۴

۲- جایگاه انقلاب و انقلابی بودن طبق آیات و روایات

از دیدگاه آیات و روایات، کسانی در اندیشه اسلامی هستند که با دوری از نظام سلطه، به سوی خدا و یکتا پرستی روی آورده اند و از نظام سلطه و حکومت های طاغوتی به دور هستند. قرآن کریم در آیاتی در این مورد سخن گفته است: «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَذَا هَمُّ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الَّذِينَ هُمْ أَذِلَّةٌ الْإِلَهَابُ؛ آنان که از پرستش طاغوت دوری می ورزند به سوی خداوند بازگشته اند، آنان را مژده باد پس بشارت ده به آن دسته از بندگان من که سخن گوش فرا می دهند و از بهترین آن ها پیروی می کنند آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده است و آنان صاحبان خرد و اندیشه اند».^۵

در جامعه اسلامی شاخص برای حقیقت اسلام مستقل بودن و دوری جستن از نظام های طاغوتی است.

از آیات قرآن و سیره نبوی هم چنین روایات معصوم (ع) و عقل این گونه استنباط شده که استقلال و عزت مسلمانان ارزش بسیار دارد و سلطه بیگانگان بر مسلمانان جایز نیست. این حکم از آیه شریفه زیر که نفی سبیل را می رساند «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» می رساند.^۶

منظور از قاعده نفی سبیل این است که خداوند متعال حکمی را بر صحت سلطه و برتری کافران بر مسلمانان قرار نداده است. هر حکمی که به نوعی موجب استیلا و سلطه کفار بر مسلمانان شود.

^۱- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۶۹.

^۲- همان، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۷۰.

^۳- راغب اصفهانی، مفردات، ص ۶۸۱.

^۴- موسسه دائرة المعارف، الفقه الاسلامی، الموضوعة الفقیه، ج ۱۸، ص ۴۵۷.

^۵- زمر، آیه ۱۸-۱۷.

^۶- نساء، آیه ۱۴.

بنابر مفاد این قاعده باطل است.^۱

یعنی در تمام امور جامعه اعم از نظامی، سیاسی، اقتصادی و ... سلطه کافران بر مومنان خداوند قرار نداده است در واقع هر طرح که موجب سلطه بیگانگان بر مسلمانان شود حرام است. پس مسلمانان باید در تمام جهات سیاسی، نظامی، اقتصادی فرهنگی از استقلال کامل برخوردار باشند.

قرآن کریم عزت نفس و احساس هویت و استقلال را این گونه بیان داشته؛ این کسانی که ایمان آورده اید، خداوند فرموده است شخصیت خود را که موازی با استقلال شما است حفظ کنید که اگر شما هدایت یافتید، باکی از ذلالت دیگران نداشته باشید.^۲

۳- مؤلفه های انقلابی بودن

از میان همه ی ملت های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همّت می گمارد؛ و در میان ملت هایی که به پاخاسته و انقلاب کرده اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومت ها، آرمان های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ ترین مردمی ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان هایش پشت سر نهاده و در برابر همه ی وسوسه هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله ی خودسازی و جامعه پردازی، تمدّن سازی شده است.^۳

۳-۱- پای بندی به استقلال همه جانبه

استقلال و آزادی: استقلال ملّی به معنی آزادی ملّت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنای حقّ تصمیم گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله ی ارزش های اسلامی اند و این هر دو عطیّه ی الهی به انسانهایند و هیچ کدام تفضّل حکومت ها به مردم نیستند. حکومت ها موظّف به تأمین این دو اند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر میدانند که برای آن جنگیده اند. ملت ایران با جهاد چهل ساله ی خود از جمله ی آنها است. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون آوردِ صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه های رفیع انسانیت. این ثمر شجره ی طیّبه ی انقلاب را با تأویل و توجیه های ساده لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمیتوان در خطر قرار

^۱- موسوی بجنوردی، القواعد الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۳.

^۲- مائده، آیه ۱۰۵.

^۳- بیانیه گام دوم انقلاب.

داد. همه مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی - موظف به حراست از آن با همه‌ی وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی تعریف شود.

اگر ملتی بر تمام امور خود، خودکفا شد و اجازه دخالته دیگران را در سرنوشت کشورش نداد می توان گفت به استقلال رسیده است. بین استقلال و پیشرفت یک کشور رابطه متقابلی وجود دارد که اگر استقلال از بین رود عزت نفس احساس هویت و منافع فردی و جمعی، سیاسی و اقتصادی، کشور را نیز از دست می دهد.^۱

۳-۱-۱- استقلال سیاسی

استقلال سیاسی عبارت است از این که مردم و نظام سیاسی، روابط ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی را در راستای خواسته های خود در کشورشان برای زندگی بهتر و عادلانه تر در رفاه بیشتر تنظیم می نمایند.

استقلال سیاسی به عنوان معیاری برای پیشرفت سیاسی یک نظام مطرح شده است. زیرا بدون استقلال و زیر بیگانه بودن، رسیدن به پیشرفت و تکامل ممکن نیست. پیشرفت و استقلال نسبی متقابل بین آن دو برقرار است. در صورت پیشرفت بین استقلال و توسعه سیاسی نکته قابل توجه این است که شرایط جغرافیایی، فرهنگی، تاریخی، طبیعی، انسانی، زمانی و مکانی دخیل هستند. پس شرط لازم برای به وجود آمدن استقلال سیاسی، پیشرفت و توسعه سیاسی است. در واقع هر چقدر سطح توسعه یافتگی کشور پایین تر باشد، تجربه مردم آن ها در کسب استقلال سیاسی کمتر است و هر قدر در استقلال سیاسی کم تجربگی بیشتر مشهود باشد؛ توسعه و پیشرفت از پشتوانه ضعیف تری برخوردار خواهد بود.^۲ در نتیجه رابطه بین توسعه پیشرفت و استقلال همه جانبه به خصوص سیاسی به شکل رابطه ای خطی و مستقیم است.

استقلال سیاسی به معنای مستقل بودن هیأت حاکمه یک کشور از نفوذ بیگانگان و اتحاد تصمیمات سیاسی براساس منافع ملی کشور است.

استقلال سیاسی در دو بعد داخلی و خارجی ظهور پیدا می کند. در بعد داخلی در انحصار اتخاذ تصمیمات توسط دولت تجلی می یابد؛ بدین معنا که دولت با برخورداری از حاکمیت مطلق، برای

^۱- خامنه ای، پرسش ها و پاسخ ها، ص ۸۰.

^۲- تقی زاده انصاری، ص ۱۰۱، استدلال سیاسی و استقلال اقتصادی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۹، ۱۳۷۹.

زمانی هم می رسد که آخرین پیشوای معصوم بار دیگر زمان حکومت و حاکمیت را به دست گیرد و مدینه الرسول پایان تاریخ را بر پا کند. هر دو آرمان را در ابتدا و انتهای امت اسلام به یکدیگر پیوند دهد.

شکل گیری جمهوری اسلامی در این برهه تاریخی خاص، در حقیقت فرصتی دوباره را فراهم آورده تا جامعه شیعه از انزواع در آمده و ظرفیت مساعد را برای گرایش دوباره امت اسلام به سوی جامعه آرمانی اسلام ناب در پایان تاریخ فراهم سازد و در این دورانی که بسیاری از متفکران اجتماعی سیاسی آماده قربانی کردن تمام آرمان ها به پای واقعیت های فوری و یا غیر حقیقی هستند، بار دیگر آرمان ها را بر قله مناقشات فکری بنشانند و پیمودن راه به سوی جامعه آرمانی را بر سر زبان ها اندازد.^۱

۳-۲- ساده زیستی

از دیدگاه اسلام ساده زیستی، به معنای عدم وابستگی به مظاهر دنیا و رهایی از تجملات و تشریفات زاید زندگی، بی بیرانه بودن که مقابل آن، تجملگرایی و رفاه زدگی است. ساده زیستی و زهد.

ساده زیستی با مفهوم زهد و بی رغبتی، ارتباط تنگاتنگی دارد. امام خمینی (ره) که الگوی ساده زیستی در عصر حاضر بود، به ظاهر خویش و تمیزی و زیبایی لباس بها می داد و همواره از عطر استفاده می کرد.

ساده زیستی یک ارزش معنوی است. هر چند ساده زیستی به عنوان اصلی ثابت در زندگی پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) شناخته می شود. اما طبیعی است که این اصل در اوضاع و اموال گوناگون، صورت و شکل مناسب پیدا می کند. این به معنای تحمل محرومیت بی منطق نیست، بلکه باید براساس حکم عقل و نقل صورت گیرد. هم دردی و شرکت عملی در غم مستمندان، از اصول ساده زیستی است که رهبران جامعه باید در حد فقیران و مستمندان زندگی کنند. به هیچ وجه ساده زیستی به معنای توصیه و پذیرش فقر نیست بلکه به معنای نخواستن در عین تمکن می باشد.

ساده زیستی گذشت از سر اقتدار اما فقر گذشت محرومانه است. تحمل فقر و عدم طغیان ثروتمندان پیامد مثبت ساده زیستی در جامعه است.

ساده زیستی مسئولان جامعه یکی از عوامل است که در روحیه مردم مؤثر است. این امر با نحوه

^۱ -صادقی رشاد، سایت، دانشنامه امام علی (ع)، ج ۶، ص ۱۶۷.

نگرش انسان به دنیا ارتباطی تنگاتنگ دارد. کسی که دنیا را همه چیز و منتهای آمال خود بیندارد نمی تواند ساده زیست باشد.

ساده زیستی، یک نوع سایه گذاری است. با توجه بر محدودیت زندگی بشر باید برای نیازهای ماندگار فرد سرمایه گذاری کند.^۱

۳-۳-۳- مردمی بودن

پیوند مردم و حکومت ما در همان انگیزه های همراهی آثار در انقلاب است. برقراری عدالت اجتماعی؛ فراتر از قانون نبودن خواص، اجرای قانون برای همه، عدالت در واگذاری فرصت ها، عدالت در تقسیم امکانات برقراری عدالت اجتماعی، پذیرفتن میانجی در اجرای قانون، اجرای دقیق قانون، دقیق بودن در معرف بیت المال در اندیشه دینی یک مسأله نهادینه است، تامین نیازها و حقوق اولیه مردم، حفظ کرامت انسانی مردم، رایت حقوق و رضایت مردم، پاسداشت عزت و غرور ملی، پیاده کردن ایده های اسلامی، حفظ ارزش های دینی حفظ آرمان های انقلاب، حفظ نظام جمهوری اسلامی که اقتدار حکومت به مقبولیت سیاسی آن است؛ یعنی برخوردار بودن از جایگاه اجتماعی و پیوند حداکثری با مردم.

راهبرد اساسی برای برآمدن به چنین جایگاهی آن است که مدیران حکومت سیاست های نظام را در ساخت فرد و اجتماع، با درایت و مدیریت صحیح و قوی، به اجرا درآورند و اهداف تعیین شده را محقق سازند. در این صورت پیوند مردمی شکل می گیرد و در نتیجه نظام حفظ می شود.

بنابراین برای حفظ نظام صالح بودن نیروهای نظام و پیوند و حمایت و دفاع مردم از نظام ضروری است.^۲

^۱-دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معارف اسلامی، ج ۱۱، ص ۴.

^۲-همان، ج ۱۷۱، ص ۹.

نتیجه گیری

انقلابی حرکتی عمومی و جمعی برای رسیدن به اهداف اسلامی و انسانی یک جامعه است که در کشور ایران اسلامی زمانی که کشور تحت سلطه بیگانگان بود. امام خمینی (ره) انقلاب را پایه ریزی کردند که تمام مردم انقلابی و ایمانی وی را پشتیبانی کردند و انقلاب اسلامی را بنا نهادند. برای انقلاب اسلامی و انقلابی بودن از دیدگاه شرع مقدس هم پوشیده نمانده و خداوند در قرآن کریم بارها در مورد عدم سلطه زیر نفوذ بیگانگان سخن گفته و انقلاب را تحسین کرده است. برای استمرار انقلاب باید افراد و مردم آن جامعه به اصول و قوانین حاکم بر جامعه پای بند باشند زیرا که می دانند آن اصول در گرو حفظ اسلام و اعتقادات است و می توانند با داشتن تقوای الهی توکل بر خدا، مزین بودن به حسن خلق و داشتن اتحاد و هم بستگی و ملزم بودن به مبانی ارزش های انقلاب مثل مردمی بودن، ساده زیستی و آرمان گرایی در جهت استقلال همه جانبه کشور تلاش کنند از جمله استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حس مبارزه با دشمن را در وجود خود نهادینه کنند.

منابع و مأخذ

*قرآن کریم

الف: کتب فارسی

۱. آخوندی و همکاران، مصطفی، جهاد و ترجمان عزت و سربلندی بصیرت دفاعی، ج ۱، تهران، زمزم هدایت، بی تا.
۲. آقابخشی، افشاری راد، علی، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، ۱۳۷۹.
۳. جمعی از نویسندگان، اندیشه های اسلامی در بستر تاریخ، ج ۱، تهران، نشر تحسین، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
۴. خامنه ای، سید علی، پرسش ها و پاسخ ها، تهران، موسسه قدر ولایت، ۱۳۸۰.
۵. خمینی، روح الله، البیع، ج ۲، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.
۶. -----، -----، صحیفه نور، ج ۲-۳-۱۵-۱۶، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.۸
۷. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، نشریه حوزه، ج ۳۷، کتابخانه فقاقت، بی جا، بی تا.
۸. سبحانی، جعفر، الفقه الاسلامی، الموضوعه الفقیه، ج ۱۸، قم، موسسه دائره المعارف، بی تا.
۹. صادقی رشاد، علی اکبر، سیاست، دانشنامه امام علی (ع)، ج ۶، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۰. مصباحی، عربی، غلام رضا، هادی، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۸۲.
۱۱. منصوری، محمد جواد، فرهنگ استقلال توسعه، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
۱۲. موسوی بجنوردی، حسن، القواعد الفقیه، ج ۱، قم، الهادی، ۱۴۱۹ق.
۱۳. هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.

ب: کتب عربی

۱۵- ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، ج ۱۱، بیروت، دارالفکر الطباعه و النشر و التوزیع دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴.

۱۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب الالفاظ القرآن**، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۶.

ج: مقاله ها

۱۷- تقی زاده انصاری، محمد، **استدلال سیاسی و استقلال اقتصادی**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۹، ۱۳۷۹.

د: سایت

۱۸- سایت امام خامنه ای، **بیانیه گام دوم انقلاب**، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.